

پنج رگه اصلی شخصیت و حرمت خود به عنوان پیش‌بینی‌های بهزیستی فضیلت‌گرا

The Big Five Personality Traits and Self Esteem as Predictors of Eudaimonic Well-Being

Mohsen Joshanloo

B. A. in Psychology

Parviz Rastegar

M. A. in Psychology

پرویز رستگار

کارشناس ارشد روان‌شناسی

محسن جوشن‌لو

کارشناس روان‌شناسی

Abstract

The primary aim of this study was to examine the how much the big five personality traits (Neuroticism, Extraversion, Conscientiousness, Agreeableness, & Openness to Experience) and self-esteem could predict eudaimonic well-being (happiness). 240 University of Tehran students (89 males and 151 females) completed the Eudaimonic Well-being Scale (Ryff, 1989), The Big Five Inventory (John & Srivastava, 1999), and the Self-Esteem Scale (Rosenberg, 1979). Results showed that the eudaimonic well-being was significantly predicted by Conscientiousness in the both groups, and by Agreeableness and Extraversion only in males. Self-esteem significantly predicted eudaimonic well-being in both sexes, however, its role was more pronounced in females.

Key words: eudaimonic well-being, psychological well-being, subjective well-being, the big five personality traits, self-esteem.

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی قدرت رگه‌های پنج‌گانه شخصیت (نوروزگرایی، برونگردی، وظیفه‌شناسی، مقبولیت و گشودگی نسبت به تجربه) در پیش‌بینی نمره‌های بهزیستی فضیلت‌گرای دانشجویان بود. نقش حرمت خود در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا، نیز افزون بر نقش رگه‌های پنج‌گانه شخصیت، بررسی شد. ۲۴۰ دانشجوی دانشگاه تهران (۸۹ پسر و ۱۵۱ دختر) پرسشنامه‌های پنج رگه اصلی شخصیت (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹)، مقیاس‌های بهزیستی فضیلت‌گرا (ریف، ۱۹۸۹) و حرمت خود (روزنبرگ، ۱۹۷۹) را تکمیل کردند. نتایج نشان دادند که رگه وظیفه‌شناسی در هر دو گروه دختران و پسران و رگه‌های مقبولیت و برونگردی فقط در گروه پسران توانستند بهزیستی فضیلت‌گرا را پیش‌بینی کنند. حرمت خود نیز نقش معناداری در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا در هر دو جنس ایفا کرد. اما نقش حرمت خود در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا در دختران در مقایسه با پسران بسیار پررنگ‌تر بود.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی فضیلت‌گرا، بهزیستی روان‌شناختی، بهزیستی فاعلی، پنج رگه اصلی شخصیت، حرمت خود.

Correspondence concerning this article should be addressed to Mohsen Joshanloo, Department of Educational Science and Psychology, University of Tehran. e-mail: mjoshanloo@yahoo.com

«پارسایی را دیدم بر کنار دریا که زخم پلنگ داشت و به هیچ دارو به نمی‌شد. مدت‌ها در آن رنجور بود و شکر خدای عزوجل علی‌الدوام گفتی. پرسیدندش که چه می‌گویی؟ گفت شکر آن که به مصیبتی گرفتارم نه به معصیتی».

گلستان سعدی - باب دوم

مقدمه

در فلسفه و روان‌شناسی دو روی‌آورد^۱ اصلی در تعریف بهزیستی^۲ وجود دارد: لذت‌گرایی^۳ و فضیلت‌گرایی^۴. برابر دانستن بهزیستی با خوشی لذت‌گرایانه^۵ یا شادکامی پیشینه‌ای طولانی دارد (کیز، ۲۰۰۶). لذت‌گرایی به عنوان یک نظریه اخلاقی در آموزه‌های آریستوییوس کورنی^۶ در سه قرن قبل از میلاد مسیح جلوه کامل یافت. او معتقد بود «تنها چیز خوب لذت جسمی، مثبت و آنی، صرف‌نظر از علت آن است» (واترمن، ۱۹۹۳). لذت از نظر وی غایت زندگیست چنانچه بعدها اپیکور^۷ نیز چنین باوری را برگزید. اما برای اپیکور بیشتر فقدان درد، یعنی لذت منفی، اهمیت داشت در حالی که برای آریستوییوس حضور لذت یعنی لذت مثبت (کاپلستون، ۱۳۷۵ / ۱۹۷۰، ص ۱۴۵).

لذت‌گرایی فلسفی توسط اندیشمندان بسیاری دنبال شد. برای مثال هابز^۸، فیلسوف انگلیسی معتقد بود شادکامی محصول تعقیب موفقیت‌آمیز امیال است، یا جان استوارت میل^۹، فیلسوف سودگرا، باور داشت که عمل درست عملی است که منجر به ارتقای سطح شادکامی در فرد می‌شود (انگ، هو، ونگ و اسمیت، ۲۰۰۳).

بسیاری از روان‌شناسان نیز آموزه‌های این سنت را در جهت‌دهی و طراحی پژوهش‌های تجربی در حوزه بهزیستی سر لوحه کار خود قرار داده‌اند. دیدگاه غالب روان‌شناسان لذت‌گرا آن است که بهزیستی برابر با شادکامی فاعلی^{۱۰} و مرتبط با تجربه لذت در مقابل تجربه ناخشنودی است. بهزیستی فاعلی به منزله ارزیابی‌های عاطفی و شناختی شخص از زندگی خود (دینر، لوکاس و اویشی،

۲۰۰۲) متشکل از سه مؤلفه اصلی است: رضایتمندی از زندگی، حضور عواطف (خلق و هیجانها) خوشایند و غیاب عواطف ناخوشایند (دینر، سوه و اویشی، ۱۹۹۸).

به رغم ماهیت جذاب لذت‌گرایی، که بهزیستی را به معنای حداکثر رساندن لذت و به حداقل رساندن درد می‌داند، جمع‌کنندگی از پیامبران الهی و متفکران شرق و غرب، مخالفت خود را با این برداشت از بهزیستی بیان کرده‌اند. از جمله سقراط اعلام کرده بود که فضیلت تنها راه رسیدن به سعادت است و معتقد بود که سعادت محرکی است برای عمل به فضیلت (کاپلستون، ۱۳۷۵ / ۱۹۷۰، ص ۱۴۵). ارسطو نیز صراحتاً با برداشت لذت-گرایانه از بهزیستی به مخالفت پرداخت و سبک زندگی پیشنهادی این سنت را برده‌وار و مشابه زندگی حیوانات چرند دانست و یا مسیح که این سؤال را مطرح کرد: «فردی که روح خود را می‌بازد و در عوض تمام دنیا به او بخشیده می‌شود، چه منفعتی می‌کند؟» (واترمن، ۱۹۹۳). در حکایتی که از گلستان سعدی در ابتدای مقاله ذکر شد نیز تفکر فضیلت‌گرا کاملاً مشهود است، تا جایی که وجود درد طولانی و عدم وجود لذت در پارسا از آن جایی که در راه عمل به فضیلت خللی ایجاد نمی‌کند چه بسا شکرگزاری نیز می‌شود.

در ازای برابر دانستن بهزیستی با شادکامی و لذت، این اندیشمندان آن را با فضیلت^{۱۱} برابر می‌گیرند و بر این باورند که ارضای امیال، به رغم ایجاد لذت، همیشه منتهی به بهزیستی نمی‌شود و در نتیجه، بهزیستی نمی‌تواند صرفاً به معنای تجربه لذت باشد (راین و دسی، ۲۰۰۱). نظریه‌های فضیلت‌گرا اساساً از آموزه‌های ارسطو در مورد مفهوم فضیلت‌گرایی بهره می‌گیرند که بر به فعل در آوردن تمامی پتانسیلها در زندگی دلالت دارد. پژوهش‌های روان‌شناختی نشأت گرفته از این دیدگاه نیز بر شناسایی عواملی که ظرفیت افراد برای محقق ساختن پتانسیل‌هایشان را به حداکثر می‌رساند متمرکز شده‌اند. ریف (۱۹۸۹) به تفاوت‌های بهزیستی شخصی، که

1. approach
2. well-being
3. hedonism
4. eudaimonism

5. hedonic pleasure
6. happiness
7. aristippus of cyrene
8. epicurus

9. Hoppes, T.
10. Stuart Mill, J.
11. subjective happiness
12. virtue

شخصیت عبارتند از: برونگردی^۹، مقبولیت^{۱۰}، وظیفه-شناسی^{۱۱}، نوروزگرایی^{۱۲} و گشودگی نسبت به تجربه^{۱۳}. بنابر تعریف جان و سربواستاوا (۱۹۹۹)، **برونگردی** بیانگر وجود روی‌آوردی پر انرژی به جهان مادی و اجتماعی در فرد است که ویژگی‌هایی مانند مردم‌آمیزی، فعالیت، قاطعیت و جرأت را شامل می‌شود. **مقبولیت** نشانگر جهت‌گیری اجتماعی و جامعه‌پسند در مقابل بازخورد خصمانه نسبت به دیگران است که ویژگی‌هایی مانند دیگر دوستی^{۱۴}، خوش‌قلبی، اعتماد و فروتنی را در بر می‌گیرد. **وظیفه‌شناسی** توصیف‌کننده قدرت مهار برانگیختگی‌ها^{۱۵}، به نحوی که جامعه مطلوب می‌داند و تسهیل‌کننده رفتار تکلیف‌محور و هدف‌محور است. وظیفه‌شناسی ویژگی‌هایی چون تفکر قبل از عمل، به تأخیراندازی ارضای خواسته‌ها، رعایت قوانین و هنجارها و سازماندهی و اولویت‌بندی تکالیف را در بر می‌گیرد. **نوروزگرایی** به معنای گرایش به تجربه هیجان‌های منفی (مانند احساس اضطراب، نگرانی، غم و تنش) در مقابل ثبات هیجانی و خونسردی است. و نهایتاً **گشودگی نسبت به تجربه**، توصیف‌کننده گستردگی، عمق، پیچیدگی و خلاقانه بودن زندگی ذهنی و تجربه‌ای^{۱۶} فرد در مقابل داشتن ذهنی بسته است. در زیر به خلاصه‌ای از یافته‌های مربوط به رابطه بین رگه‌های شخصیتی و ابعاد بهزیستی اشاره می‌شود.

رابطه بهزیستی شخصی و پنج رگه اصلی شخصیت: در آغاز، پژوهشگران بهزیستی شخصی بر شناسایی شرایط خارجی مؤثر در ایجاد یک زندگی رضایتبخش متمرکز شدند. اما بعد از چند دهه تحقیق دریافتند که عوامل خارجی غالباً تأثیر ناچیزی بر سطح بهزیستی شخصی افراد دارند (دینر و لوکاس، ۱۹۹۹؛ دینر، اویشی و لوکاس، ۲۰۰۳). اما به تدریج بسیاری از پژوهشگران توجه خود را به فهم رابطه بهزیستی شخصی و متغیرهای

روان‌شناسان لذت‌گرا از آن طرفداری می‌کنند و بهزیستی فضیلت‌گرا اشاره می‌کند و بر این باور است که برخی از جنبه‌های کنش‌وری بهینه^۱، مانند محقق ساختن هدفهای فرد، متضمن قانونمندی و تلاش بسیار است و این امر حتی ممکن است در تعارض کامل با شادکامی کوتاه‌مدت باشد. او معتقد است که بهزیستی را نباید، ساده‌نگرانه، معادل با تجربه بیشتر لذت در مقابل درد دانست؛ در عوض بهزیستی در برگیرنده تلاش برای کمال و تحقق نیروهای بالقوه فرد است. ریف و کیز (۱۹۹۵) شش عامل را به عنوان مؤلفه‌های سازنده بهزیستی روان‌شناختی معرفی می‌کنند: خودمختاری^۲، سلطه بر محیط^۳، رشد شخصیتی^۴، روابط مثبت با دیگران^۵، هدفمندی در زندگی^۶ و پذیرش خود^۷.

به طور کلی نظریه‌های فضیلت‌گرا بیش از هر چیز بر وجود معنا (یا هدف) در زندگی فرد (برای مثال کینگ و ناپا، ۱۹۹۸؛ مگروگر و لیتل، ۱۹۹۸؛ ریف و سینگر، ۱۹۹۸) و احساس تحول شخصی مداوم (کمپتو، اسمیت، کرنیش و کوالز، ۱۹۹۶؛ ریف و سینگر، ۱۹۹۸) تکیه می‌کنند. چنانچه کیز، شمانکین و ریف (۲۰۰۲) این دو مؤلفه را بیش از چهار مؤلفه دیگر بهزیستی روان‌شناختی ریف، منعکس‌کننده مفهوم تحقق - خود^۸ در بهزیستی فضیلت‌گرا می‌دانند. واترمن (۱۹۹۳) معتقد است فعالیت‌هایی بهزیستی فضیلت‌گرا را ارتقا می‌بخشند که در آنها یک فرد تحقق - خود را از طریق تحول استعدادها و مهارت‌های شخصی و پیش‌بردن هدفهای فردی در زندگی، یا هر دو، تجربه می‌کند. بنابراین، این دو مؤلفه بهزیستی روان-شناختی را می‌توان به عنوان هسته نظریه‌های فضیلت-گرای بهزیستی دانست. افزون بر آن این دو مؤلفه با تعریف فضیلت‌گرایی نیز قرابت بیشتری دارند.

از جمله پیش‌بینی‌کننده‌های مهم هر دو بُعد بهزیستی، ویژگی‌های پنج‌گانه شخصیت هستند. پنج رگه اصلی

- | | | |
|-----------------------------------|-----------------------|----------------------------|
| 1. optimal functioning | 7. self-acceptance | 13. openness to experience |
| 2. autonomy | 8. self-fulfillment | 14. altruism |
| 3. environmental mastery | 9. extraversion | 15. impulses |
| 4. personal growth | 10. agreeableness | 16. experiential |
| 5. positive relations with others | 11. conscientiousness | |
| 6. purpose in life | 12. neuroticism | |

شخصیتی معطوف کردند.

شخصیت نیرومندترین و پایدارترین پیش‌بینی‌کننده‌های بهزیستی شخصی است (برای مرور ر. ک. دینر و لوکاس، ۱۹۹۹ شود). اگرچه بسیاری از رگه‌های شخصیتی را با بهزیستی فاعلی مرتبط دانسته‌اند، پژوهش‌های نظری و تجربی متعددی به همبستگی متوسط تا قوی بین بهزیستی شخصی و دو رگه شخصیتی «برونگردی» و «نوروزگرایی»، دست یافته‌اند (کاستا و مک کری، ۱۹۸۰).

رابطه بهزیستی روان‌شناختی و پنج رگه اصلی شخصیت: تحقیقات حاکی از آن هستند که رابطه معناداری بین رگه‌های پنج‌گانه شخصیت و ابعاد بهزیستی روان-شناختی وجود دارد. نوروزگرایی، برونگردی و وظیفه‌شناسی، پیش‌بینی‌کننده‌های قدرتمند و پایداری برای ابعاد بهزیستی روان‌شناختی، به ویژه سه بُعد پذیرش خود، سلطه بر محیط و هدفمندی در زندگی به حساب می‌آیند. ابعاد دیگر بهزیستی روان‌شناختی نیز با رگه‌های شخصیتی در ارتباطند؛ برای مثال گشودگی نسبت به تجربه (همراه با برونگردی) پیش‌بینی‌کننده قدرتمندی برای تحول شخصی است و مقبولیت، روابط مثبت با دیگران را پیش‌بینی می‌کند. خودمختاری، نیز با چند رگه شخصیتی به ویژه با نوروزگرایی در رابطه است (شموت و ریف، ۱۹۹۷).

با توجه به آنچه مطرح شد در این پژوهش کوشش شد تا به پرسشهایی که در پی می‌آیند پاسخ داده شود:

- آیا بین دانشجویان دختر و پسر در بهزیستی فضیلت-گرا تفاوت وجود دارد؟
- آیا رگه‌های پنج‌گانه شخصیت سطح بهزیستی فضیلت‌گرا در دانشجویان دختر و پسر را پیش‌بینی می‌کنند؟
- آیا متغیر حرمت خود سطح بهزیستی فضیلت‌گرا را در دانشجویان دختر و پسر پیش‌بینی می‌کند؟

روش

نمونه مورد بررسی شامل ۲۴۰ دانشجو (۱۵۱ دختر و ۸۹

پسر) با میانگین سنی ۲۱ سال بود که به صورت تصادفی از بین دانشجویان دانشگاه تهران انتخاب شدند. ۲۷ نفر در سال اول، ۷۳ نفر در سال دوم، ۶۶ نفر در سال سوم، ۶۶ نفر در سال چهارم و ۸ نفر نیز در سالهای دیگر مشغول به تحصیل بودند. از این میان ۲۲۱ نفر وضعیت خود را مجرد، ۱۷ نفر متأهل و یک نفر مطلقه گزارش کردند و یک نفر به این سؤال (مجرد یا متأهل) پاسخ نداد. همچنین ۲۱۴ نفر وضع خود را صرفاً دانشجو اعلام کردند و ۲۵ نفر گزارش کردند که مشغول به کار نیز هستند و یک نفر وضعیت خود را مشخص نکرد. از ۲۳۳ نفر که دین خود را اسلام گزارش کردند، ۲۱۶ نفر مذهب خود را تشیع و ۱۴ نفر مذهب خود را تسنن گزارش دادند. همچنین یک نفر مسیحی، یک نفر یهودی و دو نفر زرتشتی در نمونه مورد بررسی وجود داشت و ۱۰ نفر به این پرسش (دین) پاسخ ندادند. ۱۴۴ نفر قومیت خود را فارس، ۲۴ نفر کُرد، ۳۳ نفر ترک، ۱۲ نفر لر، ۱۸ نفر قومیت‌های دیگر اعلام کردند و ۹ نفر از شرکت‌کنندگان این سؤال (قومیت) را بدون پاسخ گذاشتند. ۹۶ نفر خود را اهل تهران و ۱۴۲ نفر اهل شهرستانهای دیگر کشور اعلام کردند و ۲ نفر به این سؤال (اهل کجا) پاسخ ندادند. ۱۳۸ نفر ساکن خوابگاه، ۹۶ نفر خارج از خوابگاه زندگی می‌کردند و ۶ نفر به این سؤال (محل سکونت) پاسخ ندادند.

در پژوهش حاضر از ابزارهای زیر استفاده شد^۱:

مقیاس بهزیستی فضیلت‌گرا^۲: برای سنجش بهزیستی فضیلت‌گرا از دو مقیاس هدفمندی در زندگی^۳ و رشد شخصی^۴ از مجموعه مقیاس‌های شش‌گانه بهزیستی روان‌شناختی ریف (ریف، ۱۹۸۹؛ ریف و کیز، ۱۹۹۵) استفاده شد. هر مقیاس شامل ۹ ماده است که براساس مقیاس هفت درجه‌ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» پاسخ داده می‌شود. نمره کلی بهزیستی فضیلت‌گرا از طریق جمع کردن نمره‌های کلی دو مقیاس به دست آمد. ضریب آلفای این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۲ بود.

۱. شایان ذکر است که مواد آزمونهایی به کار گرفته شده در پژوهش حاضر با دقت فراوانی به فارسی ترجمه شدند و برای حصول اطمینان از مطابقت کامل نسخه‌های ترجمه شده با نسخه‌های زبان اصلی از یک انگلیسی‌زبان و یک فرد دو‌زبان (فارسی - انگلیسی) در امر ترجمه کمک گرفته شد.

2. Eduaimonic Well-being Scale

3. purpose in life

4. personal growth

اقتصادی خود را عموماً از بین گزینه‌های ۵ تا ۸ (متوسط رو به بالا) گزارش کردند. میانگین پاسخها ۶/۲۵ بود و توزیع پاسخها کجی ۰/۲۸- را نشان داد. ۱۶ نفر به این سؤال (موقعیت اجتماعی - اقتصادی) پاسخ ندادند.

به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیلهای همبستگی، آزمون t مستقل، رگرسیون گام به گام و سلسله مراتبی^۳ استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی هر یک از مقیاسهای به کار رفته در این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده‌اند. قبل از انجام تحلیلهای آماری پیشرفته‌تر، کجی و کشیدگی مقیاسها بررسی شد. به اعتقاد تاباچنیک و فیدل (۱۹۹۶) چنانچه میزان کجی و کشیدگی مقیاسها کمتر از |۲| باشد، نیازی به تبدیل مقیاسها نیست و روند تحلیل بدون تبدیل ادامه می‌یابد. اما چنانچه این مقدار از |۲| بیشتر باشد، باید تبدیل مناسب به منظور تعدیل کجی و کشیدگی صورت گیرد. همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، هیچیک از مقیاسها دارای کجی و کشیدگی بالاتر از |۲| نبودند، بنابراین نیازی به تبدیل آنها در پژوهش حاضر نبود.

فهرست پنج رگه اصلی شخصیت^۱ (BFI)؛ جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹؛ بنت مارتینز و جان، ۱۹۹۸) : این فهرست برای سنجش پنج رگه اصلی شخصیت به کار می‌رود. برونگردی ۸ ماده، مقبولیت ۹ ماده، وظیفه-شناسی ۹ ماده، نوروزگرایی ۸ ماده و گشودگی نسبت به تجربه ۱۰ ماده را به خود اختصاص می‌دهند (مجموعاً ۴۴ ماده). این فهرست بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق پاسخ داده می‌شود. مقادیر آلفای پنج بُعد این مقیاس در پژوهش حاضر عبارتند از : برونگردی (۰/۶۲)، مقبولیت (۰/۶۱)، وظیفه‌شناسی (۰/۷۲)، نوروزگرایی (۰/۸۰) و گشودگی نسبت به تجربه (۰/۶۳).

مقیاس حرمت خود روزنبرگ^۲ (روزنبرگ، ۱۹۷۹) : مشتمل بر ۱۰ ماده است که براساس مقیاسی چهار درجه‌ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» پاسخ داده می‌شود. ضریب آلفای این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۴ بود.

موقعیت اقتصادی - اجتماعی آزمودنیها نیز توسط آزمون تک ماده‌ای موقعیت اجتماعی - اقتصادی («با کشیدن دایره به دور یکی از اعداد ۱ تا ۱۰ مشخص کنید که موقعیت اجتماعی - اقتصادی خود را چگونه ارزیابی می‌کنید» به نحوی که ۱ به معنای پایین، و ۱۰ به معنای بالا باشد) سنجیده شد. نمونه حاضر موقعیت اجتماعی -

جدول ۱ : مشخصه‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
بهریستی فضیلت‌گرا	۹۴/۵۲	۱۵/۱۳	-۰/۲۶	-۰/۳۰
حرمت خود	۳۰/۹۷	۵/۱۲	-۰/۴۸	۰/۰۰۵
برونگردی	۲۵/۱۱	۵/۰۴	۰/۱۷	۰/۰۸
مقبولیت	۳۲/۴۲	۵/۱۰	-۰/۳۲	۰/۰۲
وظیفه‌شناسی	۳۰/۷۵	۵/۷۰	-۰/۱۹	-۰/۳۳
نوروزگرایی	۲۲/۸۷	۶/۶۵	-۰/۰۷	-۰/۵۶
گشودگی نسبت به تجربه	۳۶/۳۸	۵/۴۵	-۰/۱۹	۰/۴۰

بین مقیاسها، ضرایب همبستگی پیرسون بین ۷ مقیاس بررسی شد. از آنجا که تمامی همبستگیها مقادیری کمتر از ۰/۸۵ داشتند، بنابراین وجود رابطه خطی مشترک

همبستگی بین همه مقیاسهای به کار رفته در جدول ۲ نمایش داده شده است. قبل از انجام تحلیلهای اکتشافی، به منظور بررسی عدم وجود رابطه خطی مشترک چندگانه^۴

1. Big Five Inventory

2. Rosenberg Self-esteem Scale

3. hierarchical regression

4. multicollinearity

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. بهزیستی فضیلت‌گرا							
۲. حرمت خود	۰/۶۴**						
۳. برونگردی	۰/۱۹**	۰/۱۸**					
۴. مقبولیت	۰/۲۳**	۰/۳**	۰/۰۵				
۵. وظیفه‌شناسی	۰/۴۵**	۰/۳۵**	۰/۱۱	۰/۱۷**			
۶. نوروزگرایی	-۰/۲۸**	-۰/۳۸**	۰/۰۰۱	-۰/۳۵**	-۰/۳۸**		
۷. گشودگی نسبت به تجربه	۰/۲۷**	۰/۲۵**	۰/۱۳*	۰/۱۶*	۰/۲۷**	-۰/۲۲**	۱

* P کمتر از ۰/۰۵ ** P کمتر از ۰/۰۱

گام (به صورت جداگانه برای هر جنس) به کار گرفته شد. بهزیستی فضیلت‌گرا به عنوان متغیر ملاک و پنج رگه شخصیتی به عنوان متغیرهای پیش‌بینی وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون برای دختران در جدول‌های ۳ و ۴ نشان دادند که در دختران مقیاس بهزیستی فضیلت‌گرا توسط یکی از پنج رگه اصلی شخصیت یعنی وظیفه‌شناسی (ضریب بتا = ۰/۳۷) پیش‌بینی می‌شود ($F = ۱۸/۲$ و $P < ۰/۰۰۱$). این متغیر حدود ۱۴٪ از پراکندگی نمره‌های بهزیستی فضیلت‌گرا را پیش‌بینی می‌کند ($R^2 = ۰/۱۴$). این یافته‌ها نشان می‌دهند که در دانشجویان دختر هر چه نمره فرد در وظیفه‌شناسی بالاتر باشد بیشتر احتمال دارد که در مقیاس بهزیستی فضیلت‌گرا نیز نمره بالاتری کسب کند.

چندگانه بین مقیاسها، رد شد (تاباچنیک و فیدل، ۱۹۹۶). بررسی تفاوت‌های جنس نشان داد که میانگین نمره دانشجویان پسر از دانشجویان دختر در مقیاس بهزیستی فضیلت‌گرا بیشتر است (به ترتیب ۹۵/۶۲ و ۹۳/۹). نتایج آزمون t به منظور بررسی میزان معنادار بودن این تفاوت نشان دادند که تفاوت معناداری بین نمره دانشجویان دختر و پسر در مقیاس بهزیستی فضیلت‌گرا مشاهده نمی‌شود ($t = -۰/۸۰$ ، $P < ۰/۴۲$). نتایج آزمون t در مورد سایر متغیرهای پیشین نیز نشان دادند که تنها تفاوت نوروز-گرایی در دو جنس معنادار است ($t = ۳/۲$ ، $P < ۰/۰۰۱$) و میانگین نمره‌های دانشجویان دختر از دانشجویان پسر بیشتر است (به ترتیب ۲۴ و ۲۱/۲۲). برای بررسی تفاوت‌های جنس در پیش‌بینی‌کننده‌های شخصیت بهزیستی فضیلت‌گرا، تحلیل رگرسیون گام به

جدول ۳: تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا براساس پنج رگه شخصیتی در دختران

شاخص آماری	R	R ^۲	درجه آزادی	F	سطح معناداری
مقدار	۰/۳۷	۰/۱۴	۱ و ۱۱۳	۱۸/۲	۰/۰۰۱

جدول ۴: ضرایب رگرسیون گام به گام بهزیستی فضیلت‌گرا در پنج رگه شخصیتی در دختران

متغیرهای پیش‌بین	ضریب b	β	t	سطح معناداری
برونگردی	—	۰/۰۷	۰/۳	۰/۷۷
مقبولیت	—	۰/۰۴	۰/۵	۰/۶۲
وظیفه‌شناسی	۱/۰۱	۰/۳۷	۴/۲۷	۰/۰۰۱
نوروزگرایی	—	-۰/۱۵	-۱/۶۶	۰/۱۰
گشودگی نسبت به تجربه	—	۰/۱۷	۱/۹	۰/۰۵۹

این متغیرها قادرند حدود ۳۹٪ از پراکندگی نمره‌های بهزیستی فضیلت‌گرا را پیش‌بینی کنند ($R^2 = 0/39$). این یافته‌ها مبین این امرند که در دانشجویان پسر هر چه نمره فرد در وظیفه‌شناسی، مقبولیت و برونگردی بالاتر باشد بیشتر احتمال دارد که در مقیاس بهزیستی فضیلت‌گرا نیز نمره بالاتری کسب کنند.

نتایج حاصل از رگرسیون برای پسران در جدول‌های ۵ و ۶ نشان می‌دهند که در پسران مقیاس بهزیستی فضیلت‌گرا به ترتیب توسط سه رگه از پنج رگه اصلی شخصیت یعنی وظیفه‌شناسی (ضریب بتا = $0/43$)، مقبولیت (ضریب بتا = $0/525$) و برونگردی (ضریب بتا = $0/248$) پیش‌بینی می‌شوند ($P < 0/001$ و $F = 12/51$).

جدول ۵: تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا

براساس پنج رگه شخصیتی در پسران

شاخص آماری	R	R^2	درجه آزادی	F	سطح معناداری
مقدار	۰/۶۲	۰/۳۹	۳ و ۵۹	۱۲/۵۱	۰/۰۰۱

جدول ۶: ضرایب رگرسیون گام به گام بهزیستی فضیلت‌گرا در پنج رگه شخصیتی در پسران

متغیرهای پیش‌بین	ضریب b	β	t	سطح معناداری
برونگردی	۰/۷۵	۰/۲۴۸	۲/۳	۰/۰۲۵
مقبولیت	۰/۸۷	۰/۲۵۵	۲/۵	۰/۰۱۵
وظیفه‌شناسی	۱/۱۸	۰/۴۳	۴	۰/۰۰۱
نوروزگرایی	—	-۰/۰۴	-۰/۳۴	۰/۷۳
گشودگی نسبت به تجربه	—	۰/۰۷	۰/۵۲	۰/۶۰

که حدود ۱۳٪ ($R^2 = 0/13$) از واریانس نمره‌های بهزیستی فضیلت‌گرا را تبیین کردند ($P < 0/001$) و در گام دوم، حرمت خود به عنوان متغیر مستقل وارد معادله شد. میزان تغییر در واریانس توجیه (ΔR^2) برابر با ۰/۳ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بود ($P < 0/001$ و $F = 42/3$).

بنابراین، افزون بر رگه‌های پنج‌گانه شخصیت، حرمت خود نیز می‌تواند بهزیستی فضیلت‌گرا را پیش‌بینی کند ($\beta = 0/57$).

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه پسران در جدول ۸ منعکس شده است. در گام اول پنج رگه شخصیت به عنوان متغیر مستقل وارد معادله شدند که حدود ۵۱٪ ($R^2 = 0/51$) از واریانس نمره‌های بهزیستی فضیلت‌گرا را تبیین کردند ($P < 0/001$ و $F = 19/60$) در

در تحلیل‌های اولیه رگرسیون ساده مشخص شد که پنج رگه اصلی شخصیت به تنهایی قادرند حدود ۱۴٪ از واریانس نمره‌های بهزیستی اجتماعی دختران ($R^2 = 0/274$) و ۳۹٪ از واریانس نمره‌های بهزیستی اجتماعی پسران ($R^2 = 0/143$) را تبیین کنند. اما با توجه به یکی از پرسش‌های پژوهش «آیا با کنترل رگه‌های پنج‌گانه شخصیت و فراسوی^۱ سهم این ابعاد در معادله رگرسیون، متغیر «حرمت خود» می‌تواند پیش‌بینی کننده معناداری برای «بهزیستی فضیلت‌گرا باشد؟»، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه (به صورت جداگانه برای دو جنس) به کار گرفته شد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه دختران در جدول ۷ آورده شده است. در گام اول پنج رگه شخصیت به عنوان متغیر مستقل وارد معادله شدند

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا
بر اساس پنج رگه شخصیت و حرمت خود در دختران

متغیرهای پیش‌بین	R ^۲	df	F	Δ R ^۲	B	β	t
گام اول: پنج رگه شخصیت	۰/۱۳	(۱۱۱)	۱۷/۳۴*	۰/۳	—	—	—
گام دوم: حرمت خود	۰/۴۳	(۱۱۰)	۴۲/۳*	—	۰/۶۳	۰/۵۷	۷/۶۳

* P < ۰/۰۰۱

در گام دوم، حرمت خود به عنوان متغیر مستقل وارد معادله شد. میزان تغییر در واریانس توجیه (Δ R^۲) برابر با ۰/۱ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بود (F = ۴۲/۳ و P < ۰/۰۰۱). بنابراین، افزون بر رگه‌های پنج‌گانه شخصیت، حرمت خود نیز می‌تواند پیش‌بینی کننده خوبی برای بهزیستی فضیلت‌گرا باشد (β = ۰/۴).

در گام اول: پنج رگه شخصیت

جدول ۸: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا
بر اساس پنج رگه شخصیت و حرمت خود در پسران

متغیرهای پیش‌بین	R ^۲	df	F	Δ R ^۲	b	β	t
گام اول: پنج رگه شخصیت	۰/۵۱	(۵۶)	۱۹/۶۰*	۰/۱	—	—	—
گام دوم: حرمت خود	۰/۶۱	(۵۵)	۲۱/۳۰*	—	۱/۱۷	۰/۴	۳/۶۶

* P < ۰/۰۰۱

پنج رگه اصلی شخصیت و حرمت خود به عنوان متغیر مستقل وارد معادله شد. میزان تغییر در واریانس توجیه (Δ R^۲) برابر با ۰/۱ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بود (F = ۱۹/۶۰ و P < ۰/۰۰۱). بنابراین، افزون بر رگه‌های پنج‌گانه شخصیت، حرمت خود نیز می‌تواند پیش‌بینی کننده خوبی برای بهزیستی فضیلت‌گرا باشد (β = ۰/۴).

بحث و تفسیر
نتایج حاصل از پژوهش حاضر بیانگر آن است که اگرچه تفاوت معناداری در نمره‌های بهزیستی فضیلت‌گرا بین دو جنس وجود ندارد اما پیش‌بینی کننده‌های شخصیتی آن در دو جنس به‌رغم وجود شباهتها، تفاوت‌هایی با هم دارند. به بیان دیگر مسیر رسیدن به بهزیستی فضیلت‌گرا در دو جنس متفاوت است. بدین ترتیب با آنکه گشودگی در دانشجویان دختر حایز اهمیت است، اما صرفاً وظیفه‌شناسی می‌تواند به نحو معناداری بهزیستی فضیلت‌گرا را پیش‌بینی کند. در دانشجویان پسر افزون بر وظیفه‌شناسی، مقبولیت و برونگردی نیز ایفای نقش می‌کنند. چنانچه مشهود است تعداد بیشتری از رگه‌های اصلی شخصیت در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا در پسران مداخله دارند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که اولاً از بین پنج رگه اصلی شخصیت، وظیفه‌شناسی مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی کننده بهزیستی فضیلت‌گرا در دانشجویان است. ثانیاً، پنج رگه اصلی شخصیت در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا در پسران (R^۲ = ۰/۳۹) موفق‌تر از دختران

(R^۲ = ۰/۱۴) عمل می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که بهزیستی فضیلت‌گرا در پسران بیش از دختران توسط رگه‌های شخصیتی تعیین می‌شود و ممکن است متغیرهای غیرشخصیتی دیگری (مانند SES) در دختران از اهمیت بیشتری برخوردار باشند. تحقیقات آینده نقش مهمی در روشن شدن این مسئله خواهند داشت.
در نمونه امریکایی شموت و ریف (۱۹۹۷)، گشودگی و برونگردی با تحول شخصی و نوروژگرای، برونگردی و وظیفه‌شناسی با هدفمندی در زندگی مرتبط بودند. تفاوت اصلی رگه‌های شخصیتی درگیر در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا در نمونه امریکایی و ایرانی، عدم اهمیت نوروژگرای در نمونه ایرانی است. به‌رغم اهمیت این رگه در پیش‌بینی بهزیستی لذت‌گرا و فضیلت‌گرا در نمونه‌های امریکایی - اروپایی، این رگه نقشی را در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا در نمونه دانشجویی ایرانی ایفا نمی‌کند. توجیه این یافته نیز نیاز به انجام پژوهش‌های بیشتر با استفاده از آزمونهای شخصیتی جامع‌تر دارد (منظور آزمونهایی است که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده

بخشی از یک گروه اجتماعی بزرگتر تعریف می‌کند (اویسرمن، کن و کلمیر، ۲۰۰۲). بر این اساس، برای «خود» در یک فرهنگ جمع‌گرا مانند چین اصطلاح «خود وابسته»^۲ و در فرهنگ غرب «خود مستقل»^۳ پیشنهاد می‌شود (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱).

همسو با نکته‌های فوق، رگه‌هایی که تقریباً همیشه با شادکامی در فرهنگ آمریکای شمالی همبستگی نشان می‌دهند، حرمت خود و تحقق شخصی^۴ هستند. اما در بافتهای فرهنگی دیگر، به ویژه در بافتهای آسیای شرقی، در اهمیت بسیار حرمت خود به عنوان پیش‌بینی کننده بهزیستی جای تردید است. برای مثال بررسی دینر و دینر (۱۹۹۵) در ۳۱ کشور نشان داد که حرمت خود در فرهنگهای فردگرا (مانند فرهنگهای اروپایی - آمریکایی) همبستگی قوی‌تر با بهزیستی شخصی دارد تا در فرهنگهای جمع‌گرا (مانند فرهنگهای آسیای شرقی). در فرهنگهای جمع‌گرا، متغیرهای بین فردی مانند مهرورزی^۵، توافق، وابستگی متقابل و روابط هماهنگ^۶ بین فرد و گروههای اجتماعی مهم‌وی، از اهمیت بیشتری در تعیین بهزیستی افراد برخوردارند.

یافته‌های پژوهشی بسیاری در تأیید این موضوع وجود دارند؛ وان، باند و سینجلیس (۱۹۹۷) در یک پژوهش بین فرهنگی (بین آمریکا و هنگ‌کنگ) به بررسی واسطه‌های احتمالی بین فرهنگ و بهزیستی شخصی پرداختند. در تأیید یافته‌های پیشین، نتایج این تحقیق نیز نشان دادند که سطح حرمت خود پیش‌بینی کننده‌ای قدرتمند در نمونه آمریکایی بود؛ ولی در نمونه هنگ‌کنگ حرمت خود و هماهنگی رابطه^۷، به یک اندازه در پیش‌بینی بهزیستی شخصی اهمیت داشتند. در پژوهش بین فرهنگی دیگری (لو گیلومر و کاوو، ۲۰۰۱) نشان داده شد که ارزشهایی مانند «یکپارچگی اجتماعی»^۸ و «نیکوکاری»^۹ در نمونه چینی منجر به شادکامی بیشتری می‌شود اما در نمونه انگلیسی این چنین نیست. به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که در فرهنگهای

نوروزگرایی، مانند اضطراب، برانگیختگی و فقدان حرمت خود، را نیز بسنجند).

نتیجه دیگر پژوهش حاضر آن است که افزون بر نقش پنج رگه شخصیت، سطح حرمت خود نیز نقش معناداری در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا در هر دو جنس، ایفا می‌کند. این نقش در دختران ($\beta = ۰/۵۷$) در مقایسه با پسران ($\beta = ۰/۴$) بسیار چشمگیر است به طوری که در دانشجویان دختر نقش حرمت خود به تنهایی در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا تمامی رگه‌های اصلی شخصیت بیشتر است. با در نظر گرفتن این نکته که در پژوهش حاضر تفاوت معناداری بین نمره‌های دختران و پسران در حرمت خود دیده نشد، تفسیر این یافته با اکتفای صرف به یافته‌های پژوهش حاضر دشوار است. با این حال در توجیه این یافته که حرمت خود نقش مهمی در پیش‌بینی بهزیستی فضیلت‌گرا در دو جنس دارد می‌توان به نکاتی اشاره کرد:

اهمیت حرمت خود در پیش‌بینی جنبه‌های گوناگون بهزیستی اعم از شخصی و روان‌شناختی بارها مورد تأیید قرار گرفته است. به اعتقاد مایرز و دینر (۱۹۹۶) افرادی که از بهزیستی شخصی بالایی برخوردارند، دارای سطوح بالای حرمت خود نیز هستند. تیلر و برون (۱۹۸۸) استدلال می‌کنند که داشتن دیدگاهی مثبت نسبت به خود حتی زمانی که بر واقعیت منطبق نیست می‌تواند به سلامت روانی فرد کمک کند. یافته‌های پارادایز و کرنیس (۲۰۰۲) نیز حاکی از ارتباط بین بهزیستی روان-شناختی و بالابودن سطح حرمت خوداند.

با این وجود نباید از تفاوت‌های بین فرهنگی مهمی چون فردگرایی و جمع‌گرایی غافل شد. ادبیات نظری حاکی از آن است که فردگرایی با اهمیت دادن به حفظ و بالابردن سطح حرمت خود مرتبط است و «خود» را براساس خصیصه‌های یگانه و منحصر به فرد تعریف می‌کند تا نقشهای اجتماعی. اما جمع‌گرایی این مرکزیت خودپنداشت^۱ را کاهش می‌دهد و «خود» را به عنوان

1. self-concept

2. dependent self

3. independent self

4. personal accomplishment

5. nurturance

6. harmonious relationships

7. relationship harmony

8. social integration

9. human-heartedness*

* به منزله شاخصی از میزان شکیبایی، اقدام، مهربانی و درستکاری (به طور کلی میزان عشق ورزیدن به دیگران)

ابتدایی و توصیفی در مورد بهزیستی فضیلت‌گرای دانشجویان ایرانی حایز اهمیت است. با این حال برای موضع‌گیری قاطع‌تر در مورد رابطه بهزیستی فضیلت‌گرا و رگه‌های شخصیتی در جامعه ایرانی و همچنین توجیه کامل‌تر یافته‌های پژوهش حاضر، انجام پژوهش‌های بیشتر در نمونه‌های متنوع‌تر ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

کاپلستون، ف. (۱۳۷۵). «تاریخ فلسفه: یونان و روم»، ترجمه: ج. مجتبوی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش
تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، (۱۹۷۰).

Benet-Martinez, V., & John, O. P. (1998). Los cinco grandes across cultures and ethnic groups: Multitrait multimethod analyses of the Big Five in Spanish and English. *Journal of Personality and Social Psychology, 75*, 729-750

Compton, W. C., Smith, M. L., Cornish, K. A., & Qualls, D. L. (1996). Factor structure of mental health measures. *Journal of Personality and Social Psychology, 76*, 406-413.

Costa, P. T., Jr., Terracciano, A., & McCrae, R. R. (2001). Gender differences in personality traits across cultures: Robust and surprising findings. *Journal of Personality and Social Psychology, 81*, 322-331.

Diener, E., & Diener, M. (1995). Cross cultural correlates of life satisfaction and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology, 68*, 653-663.

Diener, E., & Lucas, R. E. (1999). Personality and subjective well-being. In D. Kahneman, E. Diener & N. Schwarz (Eds.), *Well-being: The foundations of hedonic psychology* (pp. 213-229). New York: Russell Sage Foundation

Diener, E., Lucas, R., & Oishi, S. (2002). Subjective well-being: The science of happiness and

متفاوت، متغیرهای متفاوتی با بهزیستی همبستگی دارند. در فرهنگ‌های فردگرا که بهزیستی نیازمند پیگیری هدف‌هایی است که خود فرد از آنها لذت می‌برد، متغیرهای فردی مانند حرمت خود در پیش‌بینی بهزیستی کارآمدترند (تیبیس، ۲۰۰۴). اما در فرهنگ‌های جمع‌گرا که در آنها بهزیستی نیازمند پیگیری هدف‌هایی است که در راستای شادکردن دیگران و برآورده کردن انتظارات آنهاست، متغیرهای بین فردی مانند هماهنگی با جامعه و گروه و مهرورزی در پیش‌بینی بهزیستی کارآمدترند.

نتایج بررسی‌های آماری پژوهش حاضر نیز نشان دادند که متغیر حرمت خود در هر دو جنس پیش‌بینی کننده نیرومندی برای بهزیستی فضیلت‌گراست. از آنجا که این متغیر فردگرایانه، به عنوان بهترین پیش‌بینی کننده بهزیستی فضیلت‌گرا در پژوهش حاضر ایفای نقش می‌کند، می‌توان چنین فرض کرد که جامعه آماری مورد بررسی، دارای ارزش‌های فردگرایانه است. نتایج تحقیق بین فرهنگی قربانی، بینگ، واتسون، دیویدسون و لبرتون (۲۰۰۳) نیز نشان دادند که جامعه دانشجویی ایران نسبت به جامعه دانشجویی آمریکا (به عنوان یکی از نمادهای فردگرایی)، از نمره‌های بالاتری در مقیاس ارزش‌های فردگرایانه برخوردار بود. البته در تعمیم این یافته‌ها به نمونه‌های غیردانشجویی ایرانی باید احتیاط کرد. چرا که فردگرایی در اقصاء تحصیل کرده و جوانتر اجتماع مانند نمونه‌های دانشجویی نسبتاً بالاتر از میانگین است (ترایندیس، ۲۰۰۲).

یکی از یافته‌های فرعی پژوهش حاضر، نتایج بررسی تفاوت‌های جنس در پنج رگه اصلی شخصیت است. یافته‌های تحقیق کاستا، تراچیانو و مک‌کری (۲۰۰۱) در ۲۶ فرهنگ مختلف جهان حاکی از آن است که تقریباً در تمامی این فرهنگ‌ها نمره زنها نسبت به مردها در نوروگرایی و مقبولیت بالاتر است. در پژوهش حاضر تفاوت جنس صرفاً در نوروگرایی مشاهده شد. البته در این مورد نیز دانشجو بودن نمونه و کوچک بودن اندازه آن مانع از تعمیم‌پذیری یافته‌ها به کل جامعه ایرانی می‌شود.

در مجموع نتایج تحقیق حاضر به عنوان یک بررسی

- Lu, L., Gilmour, R., & Kao, S. F. (2001).** Culture values and happiness: An East–West dialogue. *Journal of Social Psychology, 141*, 477–493.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991).** Culture and the self : Implications for cognition, emotion and motivation. *Psychological Review, 98*, 224–253.
- McGregor, I., & Little, B. R. (1998).** Personal projects, happiness, and meaning: On doing well and being yourself. *Journal of Personality and Social Psychology, 74*, 494–512.
- Myers, D. G., & Diener, E. (1996).** The pursuit of happiness. *Scientific American, 6*, 10–19.
- Ng, A. K., Ho, D. Y. F., Wong, S. S., & Smith, I. (2003).** In search of the good life: A cultural odyssey in the East and West. *Genet Soc Gen Psychol Monogr, 129 (4)*, 317-63.
- Oyserman, D., Coon, M., & Kimmelmeier M. (2002).** Rethinking individualism and collectivism : Evaluation of theoretical assumptions and meta-analyses. *Psychological Bulletin, 128 (1)*, 3–7.
- Paradise, A. W., & Kernis, M. H. (2002).** Self-esteem and psychological well-being: Implications of fragile self-esteem. *Journal of Social and Clinical Psychology, 12*, 345–361.
- Rosenberg, B. (1979).** Conceiving the self. New York : Basic Books.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2001).** On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being. *Annual Review of Psychology, 52*, 141–166.
- Ryff, C. D. (1989).** Happiness is everything or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology, 57*, 1069–1081.
- Ryff, C. D., & Keyes, C. L. M. (1995).** The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology, 69*, 1491–1500.
- Diener, E., Oishi, S., & Lucas, R. E. (2003).** Personality, culture, and subjective well-being : Emotional and cognitive evaluations of life. *Annual Review of Psychology, 54*, 403-425.
- Diener, E., Suh, E., & Oishi, S. (1998).** Recent studies on subjective well-being. *Indian Journal of Clinical Psychology, 24*, 25-41.
- Ghorbani, N., Bing, M., Watson, P.J., Davidson, H., & Lebreton, D. (2003).** Individualist and collectivist values: Evidence of compatibility in Iran and the United states. *Personality and Individual Differences, 35*, 431-447.
- John, O. P., & Srivastava, S. (1999).** The Big Five trait taxonomy: History, measurement, and theoretical perspectives. In L. A. Pervin & O. P. John (Eds.), *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 102-138). New York: Guilford Press.
- Keyes, C. L. M. (2006).** Subjective well-being in mental health and human development research worldwide: An introduction. *Social Indicators Research, 77*, 1-10.
- Keyes, C. L. M., Shmotkin, D., & Ryff, C. D. (2002).** Optimizing well-being: The empirical encounter of two traditions. *Journal of Personality and Social Psychology, 82*, 1007-22.
- King, L. A., & Napa, C. K. (1998).** What makes a life good? *Journal of Personality and Social Psychology, 75*, 156–165.
- Kwan, V. S. Y., Bond, M. H., & Singelis, T. M. (1997).** Pancultural explanations for life satisfaction: Adding relationship harmony to self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology, 73*, 1038–1051.

- well-being: A social psychological perspective on mental health. *Psychological Bulletin* 103, 193–210.
- Tiberius, V. (2004).** Cultural differences and philosophical accounts of well-being. *The Journal of Happiness Studies*, 5, 293-314.
- Triandis, H. C. (2002).** Generic individualism and collectivism. In M. Gannon & K. Newman (Eds.), *The Blackwell Handbook of Cross-cultural Management* (pp.16-51). Oxford : Blackwell.
- Waterman, A. (1993).** Two conceptions of happiness: Contrasts of personal expressiveness (eudaimonia) and hedonic enjoyment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64 (4), 678-691.
- Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 719-727.
- Ryff, C. D., & Singer, B. (1998).** The contours of positive human health. *Psychological Inquiry*, 9, 1-28.
- Schmutte, P. S., & Ryff, C. D. (1997).** Personality and well-being: What is the connection? *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 549-559.
- Tabachnick, B., & Fidell, L. S. (1996).** *Using multivariate statistics*. New York: Happer Collins College.
- Taylor, S. E., & Brown, J. D. (1988).** Illusion and